



سیدمجید حسینی‌زاد

وقتی در ماه می ۲۰۱۶ و در کنوانسیون رسانه‌ها در برلین رید هستینگز، مدیرعامل نت‌فلیکس، در سخنرانی خود تلوزیون را با ماشین فکس در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ مقایسه کرد که زمانی کارا و جذاب بود ولی وقتی مردم توانستند با ضمیمه‌سازی مدارک در اینترنت به‌راحتی اخبار و خواسته‌هایشان را ردوبدل کنند، جذابیتش را از دست داد، تلوزیون هم که زمانی جامعه را تغییر می‌داد و عضوی از اعضای خانواده محسوب می‌شد که در فرهنگ و جامعه‌پذیری افراد نقش مهمی ایفا می‌کرد، در مقابل تلوزیون اینترنتی قرار گرفت همین روند را تجربه کرد، مبحثی را

فتح بابی در ساحت رسانه

مطرح کرد که مبتنی بر فرایندی اجتماعی بود. در عصر آزادی انتخاب و گستردگی ساحت آگاهی و دوران شکست هرم جوامع صلب و یک سوگرا و دیکته‌گو به نفع جوامع تکتگر-گرا و مدارا-محور، تلوزیون خطی که کاربردی یک‌سویه دارد و خواسته خود را بر بیننده تحمیل می‌کند، بیننده خود را به سوی تلوزیون‌های تعاملی سوق داد. در ۱۹۹۴ شبکه کابلی کمبریج با ۲۵۰ عضو کار خود را به عنوان یک تلوزیون تعاملی آغاز کرد. در کمتر از چهار سال یعنی ۱۹۹۸ و تأسیس کینگستون کامیونیکشن به عنوان یک تلوزیون تعاملی تجاری با ۱۵ هزار عضو، سیستمی ارتباطی با به گستره رسانه‌های ارتباط جمعی نهاد که امروزه میلیون‌ها مخاطب دارد.

از کنار این تغییر نمی‌توان به‌راحتی گذشت. مخاطب امروزه دیگر شنونده ساده‌ای نیست که بشنود و بپذیرد. دیگر مصرف‌کننده تقاسیر و ارشادات ایستگاه‌های تلوزیونی نیست. مخاطب می‌خواهد خود

انتخاب کند که چه می‌خواهد، چرا می‌خواهد و چه زمانی می‌خواهد. از سوی دیگر، یکی از نقاط ضعف تلوزیون‌های سنتی، برنامه‌ریزی پخش برنامه‌های آنهاست که هرچند با تحقیقات فراوان و مخاطب‌سنجی صورت می‌گیرد، ولی نمی‌تواند همیشه خواسته مخاطب گرفتار در پیچ‌وخم کاری و… را برآورده کند. در این شرایط راهی جز حرکت به سوی تعاملی‌کردن رسانه با ایجاد سیستم‌های ویدئو درخواستی، تلوزیون تعاملی، موسیقی درخواستی و سایر زیرشاخه‌های آن نمانده است. در ایران نیز چون به دلایلی که جای بحث آنها در این مقال نیست- دلایلی شامل محتوای برنامه‌ها، یک‌سونگری تلوزیون در سویه‌های سیاسی و فرهنگی، معیار انتخاب محتوا، خبر، کارشناس و… - تلوزیون روزه‌روز مخاطبش را از دست می‌دهد، تأسیس هر رسانه تعاملی فتح باب خیری در جهت تعالی فرهنگی و اجتماعی و دوری از صنعت فرهنگ و توده‌ای‌شدن آن است.



سیدمجید حسینی‌زاد

گفت‌وگو با کمال تبریزی درباره شبکه «وی‌اودی»

رفاه بیاید، قاجاق می‌رود

است که به نظر می‌رسد تا حد زیادی می‌تواند مانع از قاجاق کالاهای فرهنگی باشد؛ اتفاقی که طبعاً نیازمند حمایت‌هایی از سوی دولت و نهادهای صنفی مربوطه است تا بتوان هرچه سریع‌تر شکل اجرایی مناسب‌تری به آن داد و در مدت‌زمان بسیار کم جایش را به سی‌دی و دی‌وی‌دی‌های مرسوم فیلم‌ها و سریال‌ها بدهد. اما تهیه‌کننده و کارگردانان سینمای ایران از جمله کسانی هستند که در چند سال گذشته، بیشترین ضررهای حاصل از قاجاق کالا را متحمل شده‌اند؛ از قاجاق فیلم‌هایی که در سینماها در حال اکران بودند و دست‌به‌دست چرخید و فیلم حتی نتوانست هزینه‌های ساختش را جبران کند، گرفته تا سریال‌هایی که در شبکه نمایش خانگی با هزینه‌های بالا ساخته و با حجم انبوهی از داندلدهای غیرقانونی و قاجاق مواجه شد. کمال تبریزی، کارگردان صاحب‌نام سینمای ایران، از جمله کارگردان‌هایی است که ضررهایی از جانب قاجاق فیلمش «مارمولک» متوجه شد. با او صحبت کوتاهی درباره گسترده‌شدن سیستم وی‌اودی در کشور و چگونگی مبارزه با قاجاق کالاهای فرهنگی در کشور داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

کمال مدت‌هاست صحبت از گسترده‌شدن سیستم وی‌اودی در کشور مطرح است؛ اتفاقی که به نظر بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران تا حد زیادی از مشکلاتی که گریبانگیر قاجاق محصولات شبکه نمایش خانگی یا فیلم‌ها شده است را کم می‌کند. نگاه شما نسبت به گسترده‌شدن این سیستم چیست؟

قطعاً همین‌طور است اگر در مرحله نمایش سینمایی تهیه‌کننده یا صاحب مادی فیلم بتواند محصولش را از گزند کپی‌برداری و توزیع قاجاق حفظ کند، خواهد توانست بعد از نمایش عمومی با قراردادن اختصاصی فیلم در شبکه vod از پخش غیرقانونی آن در حوزه‌های دیگر جلوگیری کند البته باید امیدوار بود vod در ایران از نوع واقعی و غیرقابل کپی و تکثیر باشد که در غیراین‌صورت آفتابه خرج لحیم خواهد شد!

«وی‌اودی» پادزهر قاجاق

فیلم‌های زیادی که در اکران سینماها بوده است به شبکه نمایش خانگی آمده و قاجاق فیلم باعث شده تا فروش چندانی در شبکه نمایش خانگی نداشته باشد. همان‌طور که می‌بینید به فاصله چند ساعت از عرضه فیلم در شبکه نمایش خانگی، فیلم‌ها از بسیاری از شبکه‌های ماهواره‌ای پخش و بارها بارها بازپخش می‌شود و در این شرایط نمی‌توان حتی نگاهی به درآمدزایی شبکه نمایش خانگی برای فیلم‌ها داشت. «بلورن» و «بهمن» دو فیلمی بود که تهیه‌کنندگی آنها را بر عهده داشتیم و بعد از اکران در سینماها به شبکه نمایش خانگی آمد و با همین اتفاق یعنی قاجاق مواجه شد و ضررهای زیادی به فروش فیلم زد. اساساً شکایت‌هایی که به منظور قاجاق فیلم هم صورت می‌گیرد بی‌تأثیر است و عملاً نمی‌توان انتظار داشت از راه شکایت در مقابل قاچاقچیان آثار ایستاد. اما طبعاً گسترده‌شدن سیستم «وی‌اودی» از آن دست اتفاقی است که بسیاری از تهیه‌کنندگان سینما از آن استقبال می‌کنند و امیدواریم خیلی زود گسترده‌تر شود و جایش را در ایران بازنر کند تا از این طریق بتوان

کمال به نظر شما مهم‌ترین مزیت آن چیست؟
قابلیت بسیار خوبی است و از مهم‌ترین مزیت‌های آن عدم امکان تکثیر و داندلود است ضمن اینکه بیننده قادر خواهد بود از میان برنامه‌های شبکه انتخاب کند و این مهم‌ترین و عادلانه‌ترین رفتار با مخاطب است و برخلاف تلوزیون نت‌خواهد نتوانست او را وادار به دیدن برنامه‌هایی که دوست‌شان ندارد، کند؛ مزیت مهمی که احترام به نظر و عقیده دیگران را ترویج خواهد کرد؛ چیزی که این‌روزها جامعه به‌شدت نیازمند آن است!

کمال به نظر شما راه‌حل‌هایی که تا امروز به منظور جلوگیری از قاجاق فیلم صورت گرفته است، نتیجه‌بخش بوده؟
به‌رحال تا حدودی برای مبارزه با قاجاق فیلم روش‌های نسبتاً مؤثر به کار گرفته شده اما واقعیت این است جلوگیری از قاجاق هرچیزی نیازمند عوامل مختلف است که مهم‌ترین آن ایجاد رفاه نسبی و برخورداری اقشار اجتماعی از یک حداقل برخورداری مالی قابل قبول است. مادامی که فقر گریبان جامعه را گرفته باشد و ثروت نامشروع در اختیار افراد معدود تجمیع شود، در بر همین باشنه خواهد چرخید و مبارزه با قاجاق شکل صوری و ظاهری و مسکن‌وار به خود خواهد گرفت. فقر و نیازمندی و پیرو آن ضعف فرهنگی از دری وارد می‌شود که نیکي و اخلاق و دین از همان در خارج خواهد شد!

کمال زمانی گفته می‌شد در زمینه جلوگیری از قاجاق فیلم باید فرهنگ‌سازی صورت گیرد، با همه اینها باز هم شاهد روند قاجاق فیلم‌ها در کشور هستیم.

به نظر من، هیچ راهی بهتر از آگاهی و فرهنگ‌سازی نیست! اگر شعور و وجدان جمعی به چیزی ایمان پیدا کند هرگز آن را زیر پا نخواهد گذاشت بنابراین شاید به‌جرت بتوان گفت راه اصلی مبارزه با معضلات این‌چنینی ایجاد رفاه نسبی اجتماعی و مبارزه با فساد و اختلاسی است که کمر جامعه را شکسته است!

محصولات بهتری تولید کرد. ایجاد سایت‌های فراوانی که به‌صورت غیرقانونی فعالیت می‌کنند، روزه‌روز بیشتر می‌شود و برخی از آنها در داخل کشور فعالیت می‌کنند و برخی دیگر خارج از ایران هستند و به‌سختی می‌توان مقابل چنین سایت‌هایی که قاجاق کالاهای فرهنگی را انجام می‌دهند، ایستاد. سال‌هاست همه ما به فرهنگ‌سازی در مقابل قاجاق کالا اشاره می‌کنیم و هر کدام از اهالی سینما به نوبه خود سعی کرده‌اند تا از طرق مختلف این‌ آگاهی را به مردم دهند که در حد توانشان از کالاهای فرهنگی کشورشان حمایت کنند. با اینکه شاید این فرهنگ‌سازی درصد کمی از مردم را آگاه کرده باشد، اما هنوز هم پیشنهاد من ادامه این فرهنگ‌سازی است که مردم از ضررهای مخربی که قاجاق کالا بر اهالی فرهنگ و هنر می‌گذراند، آگاه شوند. در این شرایط نمی‌توان از ارکان یا نهاد خاصی نیز انتظار داشت مقابل قاجاق کالا بایستد و مقابله کند، آگاه‌سازی مردم و فرهنگ‌سازی وظیفه همه ارگان‌ها و نهادهایی است که ارتباطی با تولید کالا‌های فرهنگی دارند و باید در این زمینه فعال‌تر باشند. طبعاً می‌توان با حمایت بیشتر از گسترده‌شدن سیستم «وی‌اودی»، مقابل بسیاری از این اتفاقات ایستاد و شرایط را برای محصولات فرهنگی و جلوگیری از قاجاق آنها فراهم کرد.

هنر

دوشنبه • ۲۹ آذر ۱۳۹۵ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۵۴ • ۹

آنتن

چشم شبکه چهار روشن

مریم عرفانیان: حالا دیگر نزدیک دو ماه است هر شب، چشم شب به جمال محمد صالح‌علا روشن می‌شود؛ مجری متفاوتی که بینندگان جان، شش سالی بود که ندیده و دل‌تنگش بودند. او که تا سال ۸۹ «دو قدم مانده به صبح» را در شبکه چهار اجرا می‌کرد، حالا نه با برنامه‌ای که گمان می‌شد با همان سبک‌وسباقی است، بلکه برنامه‌ای با حال‌وهوای متفاوت در صحنه، دکور و تنوع و چیشش‌کنداکتور، شبه تا چهارشنبه‌ها روبه‌روی مخاطبان می‌نشیند و حالا با گذشت این مدت، می‌شود پیش‌بینی کرد برنامه کم‌کم به روزهای طلایی خود نزدیک خواهد شد. «چشم شب روشن» در مدت اخیر خود را به سطحی رسانه‌که مخاطبان آن را با «دو قدم مانده به صبح» قیاس می‌کنند. گرچه تیم سازنده این برنامه تلاش کرده‌اند برنامه‌ای بسازند که فرزند زمانه خود باشد. دکور «چشم شب روشن» که البته در طول همین مدت یک بار دستخوش تغییر شد و کارشناس مجری‌هایی که برنامه از آنها کمک می‌گیرد، در کنار پلی‌بک‌هایی که این برنامه را از یک تاکشو صفر به اثر ترکیبی تخصصی تبدیل کرده، همه از مواردی است که برای منحصر‌به‌فردبودن «چشم شب روشن» مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

بازکردن حساب ویژه‌روی چهره‌های جدید

به تعبیری مهم‌ترین برنامه شبانه این شب‌های تلوزیون، ثابت کرده همچنان می‌شود روی چهره‌های جدید حساب ویژه‌ای باز کرد و از حضور جوانانی بهره برد که اجرایشان به شیوه کار مجریانی در همین حال‌وهوا اما باسابقه و نام‌آشناتر، طعنه می‌زند؛ از جمله این افراد می‌توان به علیرضا بدیع اشاره کرد که هم شاعر خوبی است و هم نشان داده بر اجرا نیز تسلط دارد. برنامه با گذشت دو ماه به استاندارد قابل‌قبولی رسیده که مخاطبان را راضی نگه می‌دارد. اما پرسش اینجاست که از این تیم با حضور چهره‌ای مانند محمد صالح‌علا انتقاد یک برنامه استاندارد می‌رود یا اثری که «آن» ویژه و خاص خود را داشته باشد و در اوج سیر کند؟ قمیشی، تهیه‌کننده برنامه، در اکثر گفت‌وگوهایش به اتاق فکری اشاره می‌کند که صرفاً یک شورای تشریفاتی نیست و ماحصل بحث‌های شکل‌گرفته در آن، خود را در ارکان برنامه نشان می‌دهد. این موضوع ثابت می‌کند ورود مدیران ارشد و میانی‌سازمان صداوسیما به جلسات نتایج خوشایندی در پی خواهد داشت. از جمله دیگر مجری و کارشناسان ویژه‌ای که در «چشم شب روشن» گل کرده‌اند، می‌توان به احمد عربانی اشاره کرد؛ کاریکاتوربست پیش‌کسوت مشهور که البته این اولین تجربه اجرایش نیست و قمیشی بیش از این در برنامه «مهارت لیخنده» او را به عنوان یک برگ برنده رو کرده بود. همان‌طور که از حضور بدیع در برنامه «برکه کاشی» بهره گرفته بود. گرچه می‌شد جذب بسیاری از مخاطبان را به حضور محمد صالح‌علا منوط دانست، اما این حساسیت و تلاش برای رنگ‌آمیزی مناسب برنامه با حضور چهره‌های گوناگون هم از هوشمندی سازندگان است و هم به جذب مخاطبانی از طیف‌های گوناگون به برنامه منجر شده است.

بازگشت مدیران برندساز

رضا پورحسین که تا پیش از دوران جدید صداوسیما و مدیریت علی عسکری، بیشتر درگیر معاونت سیما و فعالیت‌های مدیریتی بود، حالا دوباره به عرصه تلاش برای برندسازی برگشته و این حضور ثابت می‌کند مدیران قدیمی همچنان می‌توانند برندساز باشند. همان‌طور که پورحسین در زمان مدیریت شبکه دو «مردم ایران سلام» را به برندی تبدیل کرد که هنوز از آن نام می‌برند و به عنوان الگو و نمونه یاد می‌کنند و در زمان مدیریت شبکه آموزش «رادپو هفت» را به عنوان یکی از پربیننده و مهم‌ترین برنامه‌های سال‌های قبل پایه‌گذاری کرده بود. حالا او نسخه جدید و به‌روزشده‌ای از دیگر برندش یعنی «دو قدم مانده به صبح» را روانه آنتن کرده که تا بر نداشتن به‌ویژه پس از حضور بزرگان شعر و البته موسیقی مانند شهرداد روحانی و جنجال‌های گفت‌وگوی درویش در بخش سینما فاصله زیادی ندارد و حمایت و حضور چنین مدیری در بطن برنامه این مسیر را هموار خواهد کرد.

چرا برنامه «زنده» دستور

اگر یک هفته پیش این یادداشت قلمی شده بود، می‌شد انتقادات سفت‌وسختی به برنامه داشت، نقدهایی که البته هنوز هم سر جای خودشان هستند اما نه آن‌قدر قرقص و محکم. پیش از این «چشم شب روشن» را به دلیل استفاده از چهره‌های جدید چه از بین جوانان و چه از بین باتجربه‌ها، فرزند زمانه خود نامیده بودیم اما این برنامه از سوی دیگر، انگار متعلق به هیچ زمانی نیست، چراکه در آن سرافی از اتفاقات روز نمی‌بینیم. پلی‌بک‌های برنامه فاخر و خوب است، دوباره پای فیلم کوتاه را به تلوزیون باز کرده، خوراک فرهنگی خوب به مخاطب می‌دهد؛ از موسیقی‌های شنیدنی گرفته تا شعرخوانی چهره‌هایی مانند بهاءالدین خرمشاهی که کمتر او را در تلوزیون می‌بینیم اما آنچه جایش خالی است، گزارش‌هایی از اتفاقات روز است، از نمایش‌های در حال اجرا، فیلم‌های در حال اکران، گالری‌هایی که تازه برپا شده‌اند و کتاب‌هایی که تازه به نشر رسیده‌اند… اینها باعث می‌شود گاهی برنامه «زنده» به نظر نیاید.

چرا این قدردیر؟

«چشم شب روشن» مدعی است برنامه‌ای برای همه مخاطبان است نه‌فقط مخاطب فرهیخته شب بیدار. پس در این صورت می‌توان به ساعت پخش برنامه نیز خرده گرفت که از اواخر شب آغاز می‌شود و به نیمه شب می‌انجامد. حرکت بر مدار ادب و احترام و فرهیختگی درخور ستایش است، اما نبود چالش خبر، ای کاش این برنامه ادیبانه و فاخر قدری چاشنی چالش را نیز بر خود بیفزاید. اگر اجرای چهارشنبه‌شب اکبر نبوی و حضور برچالش احمدرضا درویش نبود، نه‌فقط انتقاد اخیر پررنگ‌تر می‌شد بلکه می‌شد برنامه را به ادبی- فرهنگی‌بودن به جای فرهنگی- هنری‌بودن محکوم کرد به‌ویژه که امیر قمیشی نیز پیش از این بیشتر برنامه‌های ادبی را تولید کرده است. اما حال که بخش سینمایی نیز سرانجام به این برنامه اضافه شده باید منتظر ماند و قضاوت نهایی را به بعد موکول کرد.

در انتظار یک «آن»

پایان کلام اینکه، «چشم شب روشن» استاندارد و پذیرفتنی است، طیف گسترده‌ای از مخاطبان تشنه به این سبک برنامه‌ها را راضی و خشنود کرده و حرکتی رو به رشد دارد، اما هنوز یک «آن» کم دارد؛ یک چالش و یک اتفاق پرسروصدا. گرچه ما به همین حضور نیز راضی هستیم و تقدیم دوامی است چشم شب حسابی روشن شده است!